

نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور با نگاهی به داستان همسر عمران

ام‌البنین حسنی^۱، وجیهه شیرکوند مقدم^۲

چکیده

پژوهش حاضر باهدف تبیین نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور تدوین شده است. نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده است که بااستفاده از آیات و روایات به‌ویژه تأثیر آیه ۳۵ آل عمران بر تربیت کودک بیشتر مورد توجه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مادر بیشترین نقش را در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزند دارد؛ زیرا از همان ابتدای انعقاد نطفه تا دوران کودکی، نوجوانی و جوانی مأنوس با فرزند خود است. مادر از نظر دینی، عاطفی، اخلاقی و جسمانی در تربیت فرزند مؤثر است و لازم است در مسیر تربیت فرزند صالح تلاش کند. کودک تأثیرات اخلاقی، اعتقادی و عاطفی را از رفتار و عملکرد مادر فرامی‌گیرد. بنابراین، مادر خداپاور می‌تواند فرزند دینی خداپاور و معتقد تربیت کند.

واژگان کلیدی: تربیت، مادر، فرزند، تربیت دینی، خداپاور.

۱. مقدمه

تربیت فرزند یکی از امور مهمی است که قرآن و پیامبر اسلام ﷺ به آن بسیار تأکید می‌کند. پدر و مادر در این رابطه نقش کلیدی و اساسی دارند که علاوه بر تربیت و رشد جسمی فرزند باید به تربیت روحی، روانی و خداپاوری آن نیز توجه ویژه‌ای کرده و از همان خردسالی برای ایجاد زمینه‌های خداپاوری در فرزند برنامه‌ریزی کنند که با اخلاق اسلامی و مبادی دین اسلام آشنا و به آن آگاهی یابند. تاریخ آفرینش انسان نماینگر این واقعیت است که هم‌زمان با آفرینش انسان بر

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مقطع روان‌شناسی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

روی زمین، دین نیز متولد شده است و همواره پیامبرانی به کار هدایت و راهنمایی انسان‌ها مشغول بوده‌اند. تعلیم و تعلم از نظر اسلام اهمیت زیادی دارد. اگر پدر و مادر بتوانند با تعلیم و تعلمشان فرزندی خداپاور و مسلمان تحویل جامعه دهند و یا اگر معلم بتواند اصول دینی را به درستی در شاگرد خود نهادینه کند در زیست فردی شخص و جامعه تأثیر عمیق خواهد داشت و ثوابش همانند این است که جهان را زنده کرده باشد. پژوهش حاضر، نقش مادر در تربیت فرزند خداپاور باتوجه به داستان همسر عمران در سوره آل عمران را بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تربیت

واژه تربیت مصدر باب تفعیل از ریشه ربو و در لغت به معنای رشد، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آمده است. ابن منظور می‌گوید: «تربیت از ربو به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگهداری است» (ابن منظور، ۱۴۱۶). راغب اصفهانی تربیت را تغییر تدریجی امری می‌داند به گونه‌ای که آن چیز به حد تمام برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). ابن فارس معتقد است: «اقدام بر اصلاح چیزی را تربیت می‌گویند» (ابن فارس، ۱۳۹۹). بالین وجود، اتفاق نظر چندانی درباره تعریف تربیت در اصطلاح وجود ندارد. صاحب نظران مکتب‌های گوناگون علمی و تربیتی هرکدام براساس گرایش، سلیقه و نیاز حوزه تخصصی خود تعریفی از تربیت داشته‌اند که مجال بررسی آنها در پژوهش حاضر نیست. موضوع مهم در پژوهش حاضر، مفهوم تربیت از دیدگاه اسلام و قرآن است که آن را در تعریف‌های کارشناسان دینی و اسلامی می‌توان یافت. دانشمندان اسلامی باتوجه به معنای لغوی تربیت یعنی، مفهوم پرورش دادن، شکوفا ساختن، رشد دادن، فراهم آوردن، زمینه‌های به فعلیت رساندن استعدادهای درونی و بیرونی، برداشت‌های متفاوتی از آن دارند. استاد مرتضی مطهری می‌نویسد: «تربیت به معنای پرورش دادن استعدادهای درونی است که بالقوه در یک شیء موجود است؛ یعنی آن توانایی‌های بالقوه را به فعلیت برساند» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۶). برخی دیگر از صاحب نظران نیز تربیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تربیت یعنی، پرورش دادن استعدادهای



مادی و معنوی و هدایت آن به سوی کمالاتی که خداوند در وجود آدمی قرار داده است» (صانعی، ۱۳۷۸، ص ۱۱). ماده ربیب یا ربو به شکل های گوناگون در قرآن به کار رفته که بیشتر به معنای ربوبیت الهی و زیادت و فزونی است و تنها در دو مورد به معنای تربیت انسان آمده است: یکی به شکل فعل ماضی: «رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ پروردگارا! همان گونه که آنها (پدر و مادر) مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان گردان» (اسرا: ۲۴) و دیگری در قالب فعل جحد آمده است: «أَلَمْ تُزَكِّكْ فِينَا وَلِيدًا؛ آیا ما تو را در کودکی در میان خود بزرگ نکردیم» (شعرا: ۱۸). ظاهر این دو آیه مطلق است که همه جنبه های تربیت انسان از جسمی و معنوی را دربرمی گیرد. با توجه به آیات قرآن و یافته های اندیشمندان اسلامی می توان گفت تربیت دینی عبارت است از: «فرآیند فراهم ساختن زمینه های رشد جسمی و روحی متری به گونه ای که خود وی با اراده و اختیارش در مسیر تکامل مادی و معنوی گام بردارد و به هدف نهایی که همان تقرب به خداست، دست یابد». پیامبران، اولیای الهی و امامان معصوم علیهم السلام که مرییان دینی در طول تاریخ بودند برای هدایت مردم برانگیخته شدند و هدف اصلی آنها روشن کردن چراغ فطرت بشر است که بر اثر گناهان روبه خاموشی می رود. مربی دینی باید به شیوه پیامبران و اولیای خدا که بهترین منادیان دین حق بودند، عمل و آن هدایت گر درونی یعنی، فطرت الهی را در نهاد متری شکوفا کند. مادر نیز می تواند این شیوه تربیتی را در نخستین روزهای زندگی فرزند به گونه ای مطلوب در محیط خانه به کار ببندد. مادر از هرکس دیگری به فرزندش نزدیک تر است و از همه بیشتر با وی رابطه و انس دارد. از این رو می داند که چگونه با کودکش رفتار کند. مادر باید از نظر روحی و عاطفی به گونه ای فرزندش را تربیت کند که به ندای فطرت خود پاسخ گوید و خود را به گناه آلوده نکند. فراهم کردن زمینه های رشد جسمی و روحی و شکوفاسازی استعداد های درونی و فطری فرزند در سه جنبه شناخت، ایمان و عمل از وظایف یک مادر و مربی شایسته است به گونه ای که خود به سوی کمال الهی و انسانی گام بردارد. بنابراین، منظور از تربیت دینی در نوشتار حاضر فراهم کردن زمینه های شکوفا شدن توانایی های ذاتی و فطری فرزند در جنبه های شناختی، عاطفی و اخلاقی خدا باوری

است به گونه‌ای که وی با اراده و اختیار خود در مسیر رشد و بالندگی روحی و معنوی گام بردارد و به سعادت ابدی یعنی، قرب پروردگار برسد.

۳. تفاوت تربیت فرزند خدا باور و غیر خدا باور

همان گونه که آموزه‌های الهی با آموزه‌های غیرالهی تفاوت دارد تربیت فرزند خدا باور نیز از تربیت فرزند غیر خدا باور متفاوت خواهد بود. تفاوت این دو نوع تربیت بسیار است.

الف) به نظر می‌رسد مهمترین تفاوت تربیت فرزند خدا باور با غیر خدا باور هماهنگ بودن تربیت فرزند خدا باور با فطرت و خواسته‌های فطری انسان است. این امر از فطرت خدادادی بشر سرچشمه گرفته است. از این رو، برنامه‌های دینی به طور کامل با عقل و عقلانیتی منطبق است که از نهاد بشر برمی‌خیزد. علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید: «دین، انسانیت را به سوی یک سلسله مسائل حیاتی دعوت می‌کند که قبل از آن، فطرت خدادادی وی را به آن می‌خواند» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶). در مقابل، تربیت غیر خدا باور این ویژگی را ندارد، بلکه انسان را از فطرت اولیه‌اش دور می‌کند. در تربیت غیرالهی رعایت ارزش‌های دینی نه تنها مهم نیست، بلکه مربی را برضد آن پرورش می‌دهد. برای نمونه می‌توان گفت: «امروزه در جهان غرب مانع حجاب داشتن زنان و دختران می‌شوند و زمینه گسترش فحشا و منکر را در جامعه فراهم می‌کنند. روشن است که گسترش بی بندوباری در جامعه، انسان را از فطرت ذاتی‌اش دور و از مسیر اصلی‌اش منحرف می‌کند»؛

ب) تربیت الهی بر واقع‌بینی مبتنی است نه پندار و توهم؛ زیرا دین با فطرت انسان ارتباط مستقیم دارد و فطرت انسانی نیز به حقیقت دعوت می‌کند نه توهم. چنان که وقتی نوزاد گرسنه می‌شود شیر می‌خواهد نه تصور شیر. اسلام نیز انسان را از هوا و هوس و خرافه پرستی که توهمی بیش نیست، نهی می‌کند و به آنچه حق و صلاح فرد و جامعه است، فرمان می‌دهد. به همین دلیل انسان مؤمن در پرتو آموزه‌های اسلام، هوا و هوس خود را کنترل می‌کند و با عمل به دستورهای قرآن مقصود حقیقی خود را می‌یابد. در مقابل تربیت غیرالهی و غیرخدایی، هدفی جز دعوت به

پندارگرایی و فرورفتن در لهو و لعب و خوش گذرانی ندارد و سرایی بیش نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۴) امام علی علیه السلام می فرماید: «الهی شریک العمی؛ هوای نفس، شریک نابینایی است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). از آنجا که عمی به معنای نابینا و در مقابل بیناست، می توان گفت که هوای نفسانی نیز که با آن شریک است از حقیقت بی بهره است؛

ج) تربیت الهی مبتنی بر اعتدال و میانه روی است و بدون اینکه انسان را از لذت های حلال دنیا بازدارد میان زندگی دنیا و آخرت تعادل برقرار می کند. انسان نمی تواند زندگی یک بعدی داشته باشد و تنها به مادیات یا معنویات بسنده کند؛ زیرا در جهان ماده بدون مادیات نمی توان زندگی کرد. همچنین زندگی بدون خدا باوری و خدا پرستی ممکن نخواهد بود. تربیت خدا باور تلاش می کند انسانی پرورش دهد که زندگی دنیا را مقدمه حیات اخروی بداند و از آن برای زندگی پس از مرگ توشه بگیرد در حالی که تربیت غیر خدا باور زندگی را در عالم ماده منحصر می داند و برای ماورای آن اهمیتی قائل نیست (علامه طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۲۳)؛

د) تربیت الهی و خدا باور، حس مسئولیت پذیری را به گونه ای در انسان پرورش می دهد که وی خود را در همه کارهای فردی و اجتماعی نزد خدا مسئول بداند. مؤمن با ایمان قلبی خود همیشه خدا را حاضر و ناظر بر رفتارش می بیند. وی بر این باور است که: «اللَّهُ بِمَا يَفْعَلُونَ مُحِيطٌ؛ خداوند بر همه آنچه انسان انجام می دهد احاطه کامل دارد» (انفال: ۴۲)؛

ز) هدف اصلی تربیت الهی و خدا باوری، پرورش روح انسان است و تلاش می کند متربی را از نظر روحی به خدا نزدیک کند و در آخر به مقام قرب الهی برساند. این کار با تربیت درست و تزکیه نفس امکان پذیر است. در حالی که هدف تربیت غیر دینی، تربیت ظاهری است در باطنی که این باعث می شود افراد، هنجارهای جامعه را بی چون و چرا بپذیرند و به تربیت روحی و معنوی انسان بی توجه باشند (سادات، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

۴. قلمرو تربیت دینی

قلمرو تربیت الهی، قلمرو گسترده ای است. همان گونه که دین با جسم، جان، احساس و عواطف انسان سروکار دارد و برای زندگی فردی و اخلاقی بشر برنامه ریزی می کند تربیت دینی و خدا باوری

نیز در همین راستا گام برمی دارد و باید همین هدف را دنبال کند؛ زیرا تربیت الهی از دین الهام می گیرد و با به کارگیری آموزه های دینی به پرورش انسان می پردازد. دین همه جنبه های زندگی بشر را در برمی گیرد و برای هر جنبه ای، شیوه و رفتار ویژه ای را ارائه می کند. تربیت الهی و خدا باوری نیز این رسالت را دارد که دستورهای دینی را در جامعه نهادینه کند و مردم را به پیروی از آموزه های دینی فراخواند. بر همین اساس، تربیت دینی و خدا باوری، گستره وسیعی دارد و همه جنبه های زندگی انسان از مادی و معنوی را فرامی گیرد. هدف اصلی پیامبران و اولیای الهی، تعلیم، تربیت و پرورش اخلاق انسان ها بود. آنها تلاش بسیاری را در این زمینه انجام دادند. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «همانا من برای اتمام و تکمیل اخلاق نیکو برانگیخته شده ام» (ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۱۷) اخلاق یعنی، خلق و خو و هرگونه رفتاری که از انسان سر می زند. بر این اساس، هدف اصلی بعثت رسول خدا ﷺ تربیت الهی و اخلاقی بود. از بررسی قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ مشخص می شود که فرایند تربیت الهی و خدا باوری تا قلمرو گسترده در طول تاریخ وجود داشته است و پیامبران و مربیان دینی از آغاز تا کنون برای تحقق آن با جدیت تمام تلاش کرده اند. هرگز نمی توان راه پرفراز و نشیبی که مربیان اسلامی برای پرورش باورهای دینی پیموده اند را توصیف کرد، ولی آنچه باید به آن توجه داشت این است که این مهم را در محیط خانه، مدرسه و جامعه انجام دهند. به هر صورت تمام رفتارهای انسان از کوچک و بزرگ می تواند در قلمرو تربیت دینی قرار می گیرد و راهکارهای بسیاری درباره آن در قلمرو اسلام وارد شده است.

۵. جایگاه مادر در اسلام

هرچند همه ادیان الهی برای مقام مادر ارزش قائل هستند، ولی اسلام بیش از دیگر مکتب های دینی به این مسئله توجه کرده و به مادر احترام و عظمت بسیاری بخشیده است. اسلام، حقوقی را برای مادر که مربی انسان و پرورش دهنده جامعه است، قرار داده؛ زیرا اوست که می تواند جامعه را به سوی سعادت یا شقاوت و بدبختی بکشانند.

۵-۱. جایگاه مادر از نگاه قرآن

با دقت در برخی آیات قرآن مشخص می‌شود که خداوند از مادر به عظمت یاد کرده و مقام وی را ستوده است. وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی علیه السلام اظهار ارادت و نیکی عیسی علیه السلام به مادر، بیان زحمات و رنج‌های مادر در قرآن و دستور حق تعالی به احسان و نیکی به پدر و مادر همه گواه والایی جایگاه مادر است. خدا پس از سفارش به احسان والدین به رنج و زحمات‌هایی که مادر برای فرزند متحمل می‌شود، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و به چهل سالگی برسد» (لقمان: ۱۴). بیان رنج و تلاش مادر با اینکه پدر نیز در تربیت فرزند شریک است دلیلی بر اهمیت و ارزش کار مادر است. روشن است کسی نزد حق تعالی مقام بالاتری دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد. نکته مهم در آیات مربوط به احسان پدر و مادر این است که خداوند نخست به نیکی کردن به پدر و مادر دستور می‌دهد، سپس بدون بیان زحمات‌های پدر، مشکلات و ناراحتی‌های مادر را بیان می‌کند؛ گویی مادر حامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او چنان ارزشمند است که احسان به پدر را نیز بر فرزند واجب می‌کند. اگر نبود صبر و پایداری مادر در برابر سختی‌های دوران بارداری و پذیرفتن ناگواری‌های طاقت‌فرسای دوره شیردهی و تربیت فرزند شاید این گونه قطعی به احسان به والدین به صورت مطلق حکم نمی‌شد. در قرآن مسئله نیکی به پدر و مادر با عبادت خدای متعال یکسان معرفی شده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» و پروردگارت فرمان داده است جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید» (اسراء: ۲۳).

۵-۲. جایگاه مادر در سنت رسول الله صلی الله علیه و آله

منظور از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان، منطق عملی و شیوه زندگی آن حضرت است. احترام به شخصیت و مقام مادر و رعایت حقوق وی در سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله به خوبی مشهود است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین مقام مادر می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران

است» (ری شهری، ۱۳۸۵). این حدیث بدین معناست که بدون رضایت مادر نمی توان به بهشت و نعمت های بهشتی دست یافت و اگر کسی بخواهد به درجات عالی بهشت برسد باید به مادر احترام بگذارد و به او خدمت کند. این همه ارج نهادن به مادر شاید به دلیل زحمت هایی است که مادر می کشد. رنج و زحمت دوران بارداری و نوزادی و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزند از مشکلات طاقت فرسایی است که مادر با جان تحمل می کند. طبیعی است که خداوند در برابر بردباری مادر، پاداش بی پایانی به او عنایت می کند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «روزی جوانی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. دوباره پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. برای مرتبه سوم پرسش را تکرار کرد. پیامبر فرمود: به مادرت. جوان پرسید: پس از آن به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر فرمود: به پدرت». سیره حضرت محمد صلی الله علیه و آله در احترام گذاردن بسیار به مادرش آمنه علیها السلام بهترین دلیل بر عظمت مقام مادر است.

۵-۳. جایگاه مادر در سیره امامان معصوم علیهم السلام

امام سجاد علیه السلام درباره حق مادر و عظمت و منزلت وی می فرماید: «حق مادر بر تو این است که بدانی او تو را حمل کرد آن گونه که هیچ کس دیگری را حمل نمی کند و از میوه قلبش به تو داد که هیچ کس به دیگری نمی دهد. تو را با جمیع اعضا و جوارحش در آغوش گرفت و باکی نداشت از اینکه گرسنه باشد، ترسی نداشت در جایی که خود تشنه باشد آن هنگام که تو را سیراب می ساخت و نیز هراس نداشت که خود برهنه باشد آن گاه که تو را می پوشانید و در آفتاب باشد تا تو را به سایه ببرد و خواب را به دلیل تو ترک و تو را از سرما و گرما محافظت کرد و تو نمی توانی شکرگزار در خدمات او باشی مگر با همیاری و توفیق پروردگار. (صحیفه سجاده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳)

۵-۴. جایگاه مادر در اندیشه بزرگان

۵-۴-۱. ملا محسن فیض کاشانی

فیض کاشانی راهکارهایی درباره احترام به والدین به ویژه مادر دارد که همگان را به رعایت آنها سفارش می کند. ایشان می نویسد: «ادب فرزند با پدر و مادر به این است که سخن آنها را بشنود و

پیش پای آنها برخیزد و امر آنها را گردن نهد و هیچ‌گاه جلوتر از آنها راه نرود. صدایش را از صدای آنها بلندتر کند و دعوت آنها را اجابت کند و بر جلب رضایت و خشنودی آنها حریص باشد و اگر در حق آنها نیکی کرد بر آنها منت نگذارد و اگر کاری برای آنها انجام داد خود را طلب کار ندارد و با تندی به آنها ننگرد و چشم در چشم آنها ندوزد و جز با اجازه آنها مسافرت نکند» (فیض کاشانی، بی‌تا، ص ۲۰۳).

۵-۴-۲. ملاحمد نراقی

ملاحمد نراقی در کتاب معراج السعاده با تأکید بر فضیلت نیکی به پدر و مادر، عاق والدین را گناه نابخشودنی می‌شمرد و در ادامه می‌فرماید: «بدان که عقوق پدر و مادر عبارت است از: خشم آوردن و شکستن دل و آزردن خاطر ایشان و به هرنوع که دل ایشان آزرده شود عقوق حاصل می‌شود و آدمی مستحق عذاب الهی و بلای غیرمتناهی می‌گردد؛ خواه به زدن باشد یا دشنام دادن یا صدا به ایشان بلند کردن یا تیز برایشان نگریستن یا از ایشان روی گرداندن و بی‌توجهی یا از ایشان نافرمانی کردن در امری که اطاعتشان لازم است». (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۵۱۷)

۶. نقش مادر حضرت مریم در تربیت فرزند

همسر عمران، مادر مریم علیها السلام زن نمونه و بانویی است که در قرآن ستایش شده و زن برگزیده از میان عالمیان معرفی شده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزید و پاک ساخت و بر تمام زنان جهان برتری داده است. (آل عمران: ۴۶) قداست و برگزیدگی مریم با تربیت یافتن وی در دامن مادری مانند همسر عمران که صاحب شایستگی‌ها، باور، اخلاص و ایمان بود بی‌ارتباط نیست؛ زیرا قرآن قبل از تکریم مریم علیها السلام ویژگی‌های مادر او را بیان می‌کند: «به یاد آورید هنگامی را که همسر عمران گفت: خدایا آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که محرر و آزاد برای خدمت خانه تو باشد. از من بپذیر که تو دانا و شنوا هستی» (آل عمران: ۳۵). بی‌تردید زنی با این خداباوری و نیت الهی و معنوی، دوره بارداری خود را در کمال پروا پیشگی و بزرگی خالصانه به سر برده و

مراقب طهارت ظاهری، باطنی و دوری از آلاینش های تأثیرگذار بر کودک خود بوده است. اهمیت یادکرد قرآن از انگیزه الهی و خالصانه مادر مریم به هنگام بارداری و پیشکش کردن جنین خود به پیشگاه پروردگار هستی آن گاه میسر می شود که براساس کاوش ها و دریافت های جدید علمی مشخص می شود که حوادث محیطی و پیرامونی کودک از زمان تولد و حتی پیش از آن و در دوره جنینی مانند تصورات، افکار، حزن و اندوه او رفتارها و عملکردهای مادر و تغذیه، نظافت، گرفتن از شیر و آموزش در تنظیم و شکل گیری شخصیت آینده او تأثیر کامل دارد. روایات و نصوصی که از آداب زفاف، شرایط زمانی، مکانی و بایسته های زمان آمیزش، تأثیر آب و هوا، تغذیه و حالات روحی مادران بر فرزندان در دوره بارداری و شیردهی سخن می گویند از همین منظر قابل دقت است. بنیامین اسپاک می نویسد: «انسان قبل از تولد نه تنها در رحم مادر رشد می کند، تغذیه می شود و محیط گرمی دارد، بلکه در همه حرکت های او شریک است» (اسپاک، ۱۴۰۰، ص ۵۳۴).

مادر مریم در نخستین لحظه های تولد فرزندش در اندیشه پایبندی به عهده ای است که با خدا بسته است. زمانی که برخلاف تصور او دختری به دنیا آورده که نمی تواند براساس رسوم آن جامعه در شمار خدمتکاران خانه خدا درآید این رویداد خلاف تصور چیزی از ایمان وی کم نمی کند و او همچنان ثابت قدم در عهدش باقی ماند و نوزادش را مریم یعنی، عبادت کننده خداوند نام می نهد و با سپردن او و نسلش به خداوند خواهان امداد الهی در تربیت وی می شود: «ولی هنگامی که او را به دنیا آورد (و او را دختر یافت) گفت: خداوندا! من او را دختر آوردم، ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاه تر است و پسر همانند دختر نیست. من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندانش را از وسوسه های شیطان رانده شده در پناه تو قرار می دهم» (آل عمران: ۳۶). واژه عوذ به معنای پناه بردن، پناه دادن و تمسک به غیر است (رشیدرضا، ۱۹۹۰، ۲۹/۳). عوذ مریم به خدا یعنی، به تمام و کمال سپردن او به خداوند. مادر مریم در تربیت شایسته او از هیچ کوششی فروگذار نکرد و خداوند به دست او و در دامن او مریم را به رشد و کمالی بس نیک و شایسته رساند: «وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران: ۳۷). این آیه بیانگر رشد، تربیت و پرورش بایسته و مطلوب مریم علیها السلام است. قرآن یادآور شده است که پاکی و پاکدامنی و صلاح پدر و مادر مریم در جامعه آنها مورد تأیید و تأکید بوده و

مردم انتظار داشتند که به حکم قوانین طبیعی و اجتماعی، مریم نیز فردی شایسته باشد و قرآن این انتظار را رد نکرده و نادرست نشمرده است.

۷. ابعاد مختلف تربیت در روایات و نصوص قرآنی

۷-۱. تربیت جسمانی

در روایت‌های بسیاری، وجود فرزند به گل تشبیه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزند صالح، گلی است از گل‌های بهشت» (حرعاملی، ۱۴۱۲). وجه تشابه فرزند به گل این است که فرزند در سال‌های نخست زندگی به‌ویژه دوران نوزادی همانند گل بهاری، جسمی لطیف، نازک و روحی باطراوت دارد. از این رو، به‌شدت به حفظ و نگهداری نیازمند است و اگر از او مراقبت نشود گل وجودش به پژمردگی و زردی خواهد گرایید. تنها کسی که می‌تواند به نیازهای جسمی و روحی کودک پاسخ مناسبی دهد، مادر است؛ زیرا مادر به شرایط زیستی و روانی کودک بیش از دیگری آشناست و اوست که با مهر و محبت می‌تواند از کودک نگهداری و نیازهای روحی و جسمی وی را رفع کند. نگهداری و پرورش بچه به‌ویژه در سال‌های نخست زندگی، کاری بس مشکل و طاقت‌فرساست که تنها با مهر مادری امکان‌پذیر خواهد بود.

۷-۲. تربیت دینی

تربیت دینی از دیدگاه اسلام و قرآن اهمیت بسیاری دارد و از آغاز زندگی فرزند باید بدان توجه کرد. نقش مادر در پرورش دینی و مذهبی فرزند روشن است، این نقش، دوران پیش از تولد و نیز پس از آن یعنی، دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را شامل می‌شود.

۷-۳. تربیت اخلاقی

نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزند بر همگان روشن است و چندان نیازی به تبیین ندارد. مادر مهمترین و نخستین الگوی رفتاری و اخلاقی فرزند است چنان‌که هر کاری که انجام می‌دهد در منش و شیوه رفتار او با دیگران اثر می‌گذارد. مادر با رفتار پسندیده خود، انسان می‌پروراند، فرزند را از عالم ناپاکی‌ها، حسدها، کینه‌ها و صفات ناپسند اخلاقی دور می‌کند و محبت و خیراندیشی به

هم‌نوع را به وی می‌آموزد. مادر سرچشمه فضیلت‌ها و خوبی‌هاست. وی می‌تواند درس تقوا و خدا ترسی به فرزند بیاموزد و از کودکی ضعیف و ناتوان، شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد و تحویل جامعه دهد. (عابدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶) اگر مادر به وظیفه خود عمل نکند و در برابر چشمان کودک دست به رفتارهای نامناسب و ناشایست بزند کودک از وی پیروی می‌کند و انسان پست و منحرفی می‌شود. امام خمینی رحمته‌الله می‌فرماید: «مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد بچه‌ها از همان دامن مادر، منحرف بیرون می‌آید؛ زیرا بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ‌کس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند، خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در او می‌بینند» (شریعتی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۴).

۷-۴. تربیت عاطفی

مادر از نظر روانی و عاطفی، سرشار از محبت و صمیمیت است. وی به سبب ساختار وجودی‌اش، قدرت جذب و توان بالایی در ابراز احساسات و عواطف دارد. حال اگر از این توان درست و به جا استفاده شود در تحکیم پیوند خانوادگی و چگونگی شکل‌گیری روابط اجتماعی و تربیت فرزندان نقش سازنده‌ای خواهد داشت. مادر می‌تواند با رعایت اصول و قوانین اسلامی در سامان‌دهی امور خانواده و پرورش فرزندان نقش مهمی ایفا کند. ویژگی عاطفی زنان، بستر مناسبی برای ایفای نقش مادری و تربیت فرزندان است. (قائم، ۱۳۹۷، ص ۲۱۸) یکی از جنبه‌های مهم نقش تربیتی مادر، نقش وی در پرورش عواطف فرزند است که آثار آن در رفتار وی به خوبی نمایان می‌شود. اسلام به ویژگی عاطفی و روانی مادران توجه ویژه‌ای داشته و به این جنبه از وجود آنها اهمیت فراوان داده است. رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید: «خداوند با زنان و مادران، مهربان‌تر از مردان است» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۰۴/۱۵). توجه ویژه خداوند به عواطف مادران، مسئولیت آنها را در برابر فرزندان‌شان افزون‌تر می‌کند؛ زیرا مادران باید فرزند را با تعادل عاطفی پرورش دهند و این ویژگی را در وجود آنها تثبیت و تحکیم کنند. بی‌مهری مادر، مهمترین عامل از بین رفتن تعادل عاطفی فرزند است و چه بسا موجب افسردگی و پریشانی وی می‌شود (لورابِرگ، ۱۴۰۰، ص ۴۷۹).

۸. نتیجه‌گیری

مادر در تربیت دینی کودک نقش مهمی دارد. او هم قبل از تولد و هم بعد از به دنیا آمدن کودک در دوران نوجوانی و جوانی در تربیت دینی نقش دارد. ایجاد رابطه بین کودک و خدا و وابستگی به پروردگار یکی از وظایف تربیتی مادر است. مادر باید به زندگی کودک رنگ الهی و خداآوری دهد تا فرزند بتواند برنامه زندگی‌اش را براساس قوانین خداوند برقرار کند. کودک از زمانی که متوجه صحبت‌های والدین شود و توانایی فهم صحبت‌های آنها را پیدا کند متوجه امر و نهی آنها می‌شود، البته نه به این معنا که والدین از همان سنین پایین برای کودک قوانین سختی را در نظر بگیرند. کودک به تدریج توان تشخیص رفتارهای خوب و بد را به دست می‌آورد. در این زمان والدین باید به شکل جدی‌تری تربیت کودک را آغاز کنند. از آنجاکه ارتباط کودک با مادر بیشتر است و مادر زمان بیشتری را برای کودک سپری می‌کند مادر در تربیت فرزند نقش بیشتری نسبت به پدر دارد. پدر چون زمان کمتری با کودک همراه است، ممکن است مسائل کمتری پیش بیاید که بخواهد اصول تربیتی را به کار بگیرد، ولی مادر مسائل بیشتری را شاهد است و نیاز است که نکات تربیتی را اعمال کند. به همین دلیل تربیت کودک بیشتر با مادر است. بنابراین، قرآن بیشترین ستایش را از زنان در نقش مادری داشته است. دستور صریح قرآن در واگذاری تربیت فرزند به مادر و الگوهای موفق مادران مری است که در پژوهش حاضر به نمونه‌ای از مادران الگوی قرآنی به نام مادر حضرت مریم در سوره آل عمران اشاره شد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۶)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ۲. احمد بن فارس (۱۳۹۹)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفکر.
- ۳. اسپاک، بنیامین (۱۴۰۰)، تفضیه و تربیت کودک، معرجم: مدنی، مصطفی، تهران: زوار.
- ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، انتظار بشر از دین، محقق: مصطفی پور، محمد رضا، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیه.
- ۷. رشید رضا، محمد (۱۹۹۰)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المثل)، بیروت: دار المعرفه.

۸. ری شهری، محمد مهدی (۱۳۸۵). منتخب میزان الحکمه. قم: دار الحدیث.
۹. سادات، محمد علی (۱۳۸۴). تفاوت‌های دینی و غیردینی. نشریه راه تربیت، مرکز جهانی علوم انسانی، (۷(۱)، ۱۰۱-۱۲۰.
۱۰. شریعتی، الهام، و کلانتر معتمدی، هاجر سادات (۱۳۹۶). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه. نشریه علمی-پژوهشی نظریه اجتماعی متفکران مسلمان، سال ۷، شماره ۲، ۱۳۱-۱۵۳.
۱۱. صانعی، مهدی (۱۳۷۸). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات سناباد.
۱۲. صحیفه سجادیه (۱۳۸۲). مترجم: خلجی، محمد تقی. قم: پیام مهدی.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷). معنویت تشیع. قم: انتشارات تشیع.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۱). مجموعه مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. عابدی، سید مرتضی (۱۳۹۲). حقوق والدین. قم: انتشارات معصومین.
۱۶. فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا). طریق النجاه (راه نجات). مترجم: حبیب‌زاده، رضا. تهران: پیام آزادی.
۱۷. قائمی، علی (۱۳۹۷). سازندگی و تربیت دختران. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۱۸. لورا، برگ (۱۴۰۰). روان‌شناسی رشد. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: انتشارات ارسباران.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۲۰. نراقی، ملا احمد (۱۳۸۳). معراج السعاده. قم: هجرت.

